

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم «اسیر»

چارم نومبر ۲۰۱۵

طرح نو

(از اوراق گذشته)

باز چه طرح نوی انگبختی؟
آب رخ شـرم و حیا بیختی
چند چنین خـانه خرابم کنی
ای تـو! ز راز دل من باخبر
که کله جنبانی و گـاهی کمر
ناز و ادا قـدر ترا کم کند
آهوی چشم تو بود شوخ و شنگ
در کف ما شیشه به دست تو سنگ
این همه جنگی و ستمگر مباش
یاد کن ای فتنه! ز بگذشته ها
یاد کن از ساز خود و سوز ما
یاد کن از آن که به هم لب به لب
یاد کن از آن که به شبهای تار
در دل انبـوه درخت چنار
من که همان عاشق دیرینه ام

سرخ و سیه را به هم آمیختی
مست شدی جام مرا ریختی
با نگه گـرم کبابم کنی
ای به دلت ناله من بی اثر
زین همگی ناز و ادا درگذر
مردم ازین شیـوه تو رم کند
مست شکاری ست به مثل پلنگ
می شکنی شیشه ما را به جنگ
بر سـر عشاق، دلاور مباش
یاد کن از آن همه مهر و وفا
از نگـه پاک بدون ریا
باده کشیدیـم به هنگام شب
کرده ز بدخواهی مردم فرار
مست شده هردو به بوس و کنار
گرم بود جای تو در سینه ام

یاد کن از آن که تو در نیمه راه با قد موزون و بلـوز سیاه
 دادی به من بوسه و کردی گناه هست لب تـوز لب من گواه
 شاهـد من سینه لرزان توست بر لب من داغ ز دندان توست
 این که تـو رفتی به بر دیگران سر بنهـادی به سر دیگران
 همنـفس و همسفر دیگران همقـدم و همنظر دیگران
 می نشوی هیـچ فراموش من جای تو خالی ست در آغوش من
 از تو بریدن به خدا مشکل است جای تو خالی به میان دل است
 عشق به این گفته من قایل است این همه تحصیل ازان حاصل است
 باز بیا، بـاز که من از توام
 تا بنهم سر به کفـن از توام

(م. نسیم «اسیر» - عقرب ۱۳۳۸ هـ.ش، کابل عزیز)